

شیخ بهائی، مرد وحدت



سید جزائری نقل می کند که بعضی از علمای قبل از شیخ بهائی، لعن علنی می کردند که باعث برانگیختن فتنه ها و جنگ های خونین شد. لذا شیخ بهائی جهت جلوگیری از فتنه ها، روابط بسیار خوبی با دیگر مذاهب برقرار کرد.

سید جزائری نقل می کند که بعضی از علمای قبل از شیخ بهائی، لعن علنی می کردند که باعث برانگیختن فتنه ها و جنگ های خونین شد. لذا شیخ بهائی جهت جلوگیری از فتنه ها، روابط بسیار خوبی با دیگر مذاهب برقرار کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، مقاله پیش روی نوشته آیت الله شیخ حسین آل راضی و ترجمه مهدی وفاپی است که شما را به خواندن آن دعوت می کنیم:

اسلام بر دو پایه استوار است: ۱- اصل توحید. ۲- وحدت امت.

همانطور که نبی مکرم اسلام، ائمه علیهم السلام و علما اهتمام در دعوت به اصل اول داشته اند، دغدغه دعوت به اصل دوم نیز داشته اند هر چند که امت اسلامی را طمع طمع کاران و جهل جهال، تکه تکه کرده است.

از جمله علمای پیشگامی که سنگینی وظیفه را تحمل کرده است و در متحد ساختن امت اسلامی زیر پرچم اسلام، تلاش کرده است بهاءالدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهائی است. که در این راه سختی فراوانی کشید. شایسته است که قبل از بیان فعالیت ها و روش های ایشان برای تحقق وحدت، شمه ای از زندگی این مرد بزرگ را بازگو کنیم.

شیخ محمد بن حسین بن عبد الصمد حارثی همدانی عاملی که سلسله خاندانش به حارث همدانی صحابی مشهور امیر المومنین علیه السلام می رسد، در بعلبک جبل عامل در لبنان، دیده بر جهان گشود. علمای بسیار ایشان را تمجید کرده اند. برای نمونه دو مورد را بیان می کنیم.

علامه امینی: شیخ الاسلام، بهاء المله و الدین، استاد اساتید و مجتهدین، شهرت زیاد و آوازه بلند او در تسلط بر علوم و جایگاه رفیع او در دین و فضیلت، او را غنی از مدح و ثنا کرده است. هر کس او را می شناسد که می شناسد. اما آنکه او را نمی شناسد پس او فقیهی محقق، حکیمی متاله، عارفی چیره دست، نویسنده ای مبتکر، محقق پر تلاش، ادیب و شاعر و متبحر در همه فنون است. او یکی از نوابغ امت اسلامی و یگانه ی زیرکان است. مرد یگانه علم و دین است.

محمد آمین بن فضل الله بن محب الدین بن محمد المحبی - از علمای اهل سنت- در کتاب خلاصه الاثر در زندگی نامه شیخ بهائی می گوید:

صاحب تصانیف و تحقیقات زیادی است. او از هر کسی شایسته است که اخبارش را نقل کنند و نوشته هایش را نشر. او به تنهایی یک امت بود در تسلط بر علوم مختلف. گمان نمیکنم دیگر روزگار چنین گشاده دستی بکند و مثل او را دوباره بیاورد. و در یک جمله باید گفت، که گوشها خبری عجیب تر از اخبار او را نشنیده اند.

پیرامون وحدت:

سوالی که خیلی پرسیده می شود این است که وحدت به چه معناست؟ آیا وحدت یعنی یکی شدن مذاهب؟ آیا شیعه باید سنی شود یا بالعکس؟

باید دانست که این تعریف و تصور از وحدت را دشمنان اسلام و رسانه های مغرض، اشاعه و پخش می کنند، تا مردم نسبت به وحدت تصور بدی پیدا کنند و جذب آن نشوند.

اما معنای وحدت به طور خلاصه، می شود:

۱- امت اسلام در آن چه مشترک هستند، متحد شوند و همکاری کنند. اموری چون ایمان به خداوند، رسالت، قرآن و

۲- هر مذهبی، مذهب و گروه دیگر را در آن حقایقی که بر او مخفی شده، معذور بداند نه مغرض.

۳- هر گروه به گروه دیگر احترام بگذارد و با سلامت و اخلاق اسلامی با یکدیگر زندگی کنند.

شیخ بهائی و وحدت

بعد از آنکه شیخ بهائی در دولت صفویه، شیخ الاسلام و بالاترین مقام دینی کشور شد - هر چند برای مدت کوتاه - وارث ویرانه های فتنه ای مذهبی بود که حاصلش خون ریخته شده هزاران مسلمان و از بین رفتن اموال فراوان و به تاراج رفتن نوامیس زیادی شده بود. در این اوضاع شیخ بهائی تلاش کرد، از مسلمین صفی واحد چون بنیان مرصوص بسازد و در این راه هزینه های فراوانی پرداخت کرد.

سید جزائری نقل می کند که بعضی از علمای قبل از شیخ بهائی، لعن علنی می کردند که باعث برانگیختن فتنه ها و جنگ های خونین شد. لذا شیخ بهائی جهت جلوگیری از بروز این فتنه ها، روابط بسیار خوبی با دیگر مذاهب برقرار کرد.

روش علمی و عملی شیخ در وحدت

شیخ برای طرف مقابل، بسیار احترام قائل می شد و سعی می کرد حتی زمانی که آرای آنها را ابطال می کند، عواطف مخالف خود را برانگیخته و احساساتش را جریحه دار نکند. او ابتدا آرای مخالفین را چنان با متانت و آرامشی تقریر می کرد که خیلی ها گمان می کردند این نظر خود او است. سپس نظر خود را با دلایل کافی بیان می کرد و خیلی از اوقات هم داوری را به عهده مخاطب می گذاشت و با این روش ضمن کسب رضایت مخالف خود، نظر مخالف خود را هم تغییر می داد. او در راه ایجاد وحدت، بسیار سختی کشید، تهمت های فراوان شنید.

شیخ مجتبی عراقی در مقدمه ای که بر کتاب "عوالی الثالی" ابن ابی جمهور احسائی نوشته است، از سید نعمت الله جزائری نقل می کند:

اما در مورد شیخ بهائی گاهی می گویند مایل به صوفیه بوده است، گاهی می گویند اهل گوش دادن به غناء بوده است گاهی می گویند با مذاهب دیگر حتی کفار هم خوب بوده است. تا آنجا که روزی به بصره رفتم، و دیداری با اعلم آن شهر که شیخ عمر نام داشت، انجام دادم. با او گفتگو می کردیم تا کلام رسید به شیخ بهائی رحمه الله علیه. او گفت شاید تو فکر می کنی که او شیعه است، نه قسم به خدا که او بهترین اهل سنت است ولی از پادشاه زمان خود تقیه می کرده است. وقتی این را شنیدم، به او گفتم مذهب شیخ چیست. او بسیار متحیر شد و در مذهب خود هم شک کرد، حتی گفتند که پنهانی از مذهبش برگشته است.

روش علمی شیخ:

مطمئن ترین استاد در اصفهان گفت که در سالی، جماعتی از کفار نزد شاه عباس اول آمدند و خواستار مناظره شدند. او آنها را پیش شیخ بهائی فرستاد. آنها وارد مجلس درس شیخ بهائی شدند و شیخ متوجه حضور آنها شد و شروع کرد نظرات و دلایل کفار را مطرح کردن و جواب دادن، مقداری از روز که گذشت، کفار زمین مقابل شیخ را بوسیدند و گفتند تو عالم ما هستی و مسلمان شدند ولی اگر شیخ با آنها به شیوه مناظره، بحث می کرد، چهره ای منفی از خود نزد آنها می ساخت و آنها مسلمان نمی شدند. این شیوه ی بسیار خوب مناظره را انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم استفاده می کردند.

همچنین یکی از استادانم می گفت: روزی یک شیعه و یک سنی از اهالی بهبهان با هم بحث می کردند و سرانجام گفتند برویم اصفهان و از شیخ بهائی بپرسیم مذهبش چیست؟ وقتی به شیخ رسیدند و عرض حال کردند، شیخ بهائی شروع کرد به نظرات هر مذهب و جواب های طرف مقابل را نقل کردند. هر دو از پیش او برخاستند در حالیکه هر یک از آن دو فکر می کرد، شیخ بهائی هم مذهب اوست.

همچنین شیخ بهائی رنج دوری از دوستان و خانواده را بر خود هموار می کرد و بسیار به مناطق مخالفین می رفت و با آنان خوش رفتاری می کرد.

حقیقتا درست در وصف خود سروده است که:

وانی امرء لا یدرک الدهر غایتی * ولاتصل الایدی إلی قعر أَسراری

مقامی بفرق الفرقدین فما الذی * یؤثره مسعاه فی خفض مقداری

أعاشر أبناء الزمان بمقتضی * عقولهم کیلا یفوهوا بأفکاری

یکی از کسانی که مورد اعتماد من است می گفت: بعضی از علمای شیعه که ساکن مکه بودند به اهل منبر اصفهان نامه نوشتند که شما در آنجا خلفای آنها را سب می کنید و ما اینجا به خاطر سب شما، مورد اذیت قرار می گیریم.

منبع: اخوت